

<p>حدیث روز:</p> <p>امام حسین(ع)، کسی که دوست دارد اجلش به تأخیر افتد و روزی اش افزایش یابد، صلہ رحم به جا آورد.</p>	<p>واحه:</p> <p>رحمت نکند بر دل بیچاره فرهاد</p> <p>آن کس که سخن گفتن شیرین نشنیده ست</p>
<p>اوقات شرعی:</p> <p>اذان ظهر: ۱۷/۴۸</p> <p>اذان مغرب: ۱۷/۲۸</p> <p>اذان صبح (فردا): ۵/۲۲</p> <p>غروب آفتاب: ۱۷/۰۹</p> <p>نیمه شب شرعی: ۲۳/۰۶</p> <p>طلوع خورشید (فردا): ۶/۲۷</p>	

ج‌ام‌ای

■ شماره: ۳۶۳۷۰-ISSN۱۷۳۵۰۰۰۰
■ پایگاه اطلاع رسانی: www.jamejamonline.ir
■ www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

دوشنبه ۱۰ آبان ۱۴۰۰ | ۲۵ ربیع الاول ۱۴۴۳ | ۲۰ صفحه | سال بیست و دوم - شماره ۶۶۷ | Monday - November 1 , 2021

■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: سازمان صداوسیما ی جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤول: مهدی عرفاتی

امروز در تاریخ:

- آغاز پادشاهی شاه سلیمان صفوی و تاجگذاری وی در اصفهان (۱۰۴۵ش)
- انقراض سلسله قاجار و تشکیل حکومت پهلوی (۱۳۰۵ش)
- زادروز مرتضی احمدی، بازیگر و خواننده ایرانی (۱۳۰۳ش - درگذشت ۱۳۹۳ش)
- شهادت آیتا... سیدمحمدعلی قاضی طباطبایی، اولین شهید محراب (۱۳۵۸ش)

وضعیت آب و هوای امروز	تهران	اهواز	بندرعباس	تبریز	رشت	زنجان	سندج	گرگان
۲۷ / ۱۳	☀️ / ۱۸	☀️ / ۳۴	☁️ / ۲۳	☁️ / ۱۴	☁️ / ۲۰	☁️ / ۶	☁️ / ۲۵	☁️ / ۲۲

تلنگر

لختی پادشاه

علیرضا راقتی

روزنامه‌نگار

حرف بزن، کمک کن.

داستان می‌گوید روزی پادشاه با لباسی که می‌گفتند فقط انسان‌هایی که خطایی نکرده‌اند می‌توانند آن را ببینند به خیابان آمد؛ البته لباسی در کار نبود و خود پادشاه هم برای این که برجسب خطاکاری رویش نخورد پذیرفته بود که لباس به تن دارد. همین‌طور مردم شهر هم برای این که نشان ندهند خطاکارند همگی لباسی را که نمی‌دیدند ستایش می‌کردند و هیچ‌کس لختی پادشاه را به رو نمی‌آورد تا این که ناگهان در خیابان کودکی فریاد زد: پادشاه لخت است! و لختی پادشاه را که همه می‌دیدند و انگار نمی‌دیدند به رو آمد. عربستان سعودی از سال۲۰۱۵ آتش جنگ را در یمن به راه انداخته و در این سال‌ها مردم یمن هر نوع فاجعه انسانی را که می‌تواند اتفاق بیفتد به چشم دیده‌اند. از بمباران و جنگ و کشتار زنان و کودکان گرفته تا تحریم و قحطی و سوءتغذیه و فقر. هرقدر هم که ائتلاف سعودی بخواهد روی این جنایت‌ها سروپوش بگذارد در عصر رسانه صدای مظلومیت مردم یمن به گوش دنیا می‌رسد و بالاخره همه مردم دنیا چیزی از این ماجرا شنیده‌اند؛ حتی اگر تصاویر دلخراش کشتار مردم و کودکانی که بر اثر سوءتغذیه ناشی از محاصره و تحریم جان‌شان را از دست می‌دهند، ندیده باشند. کشورهای هم‌پیمان سعودی اما هیچ‌وقت در این سال‌ها صدایشان در نیامده و حتی کشورهایی که با سعودی‌ها هم‌پیمان نیستند هم برای به خطر نیفتادن منافع‌شان در تمام این سال‌ها سکوت کرده‌اند. درست مثل مردمی که لختی پادشاه را می‌دیدند اما هیچ‌کدام به‌روی خودشان نمی‌آوردند که نکند برجسبی به آنها بخورد و مردم‌طور دیگری نگاه‌شان کنند.

حالا مدتی است ویدئویی نسبتاً قدیمی از وزیر رسانه لبنان در شبکه‌های اجتماعی پانزده‌شده که در آن از جنایت عربستان در یمن می‌گوید. عربستان هم به دلیل همین ویدئو روابطش با لبنان را به هم زده و تمام کشورهای هم‌پیمان سعودی هم همین‌کار را کرده‌اند. مردمی که هنوز اعتقاد دارند اگر لختی پادشاه را فریاد نزنند، برای خودشان منافع و آبرویی جمع کرده‌اند.

نسل ما، نسل قلک‌های سفالی است.

بچه که بودیم پدر و مادرمان عید نوروز یک قلک سفالی به ما می‌دادند و می‌گفتند تا نزدیکی‌های عید سال آینده، پول‌هایت را پس‌انداز کن، بعد قلک را بشکن و با پس‌اندازت لباس، کفش، کیف و...بخر، اگر کم آوردی ما کمکت می‌کنیم.چه کیفی داشت با پول خودمان خرید کردن؛ پس‌اندازی که از پول توجیبی‌مان جمع شده بود و باید بگذاریمش به‌حساب خون‌چکر خوردن! درست زمانی که می‌توانستیم همه پولی را که والدینمان برای خرج هفته یا ماه به ما می‌داند خرج کنیم، خواسته‌های‌مان را مدیریت می‌کردیم، چشم روی آنچه در لحظه می‌خواستیم، می‌بستیم تا قلک‌مان را پرتر کنیم و شب عید هر چه دوست داریم، بخیریم. روزگار عوض شد و جای قلک‌های سفالی را قلک‌های پلاستیکی و فلزی گرفت و بعدتر همان‌ها هم جایشان را به قلک‌های فانتزی قفل‌دار و رمزدار داد. قلک‌ها زیباتر و خوش‌رنگ‌تر شدند اما از شواهد پیاداست که نسل به نسل رفتارِ پس‌انداز کردن کم‌رنگ‌تر شد. حالا دیگر بیشتر بچه‌ها کارت‌بانکی دارند که روزانه یا هفتگی شارژ می‌شود و آنها می‌توانند در چشم بر هم زدنِ با آن خرید اینترنتی انجام دهند و دیگر لازم نیست حتی به مغازه و فروشگاه بروند و لذت خرید حضوری و لمس لباس، کیف، کفش، عروسک و بقیه لوازمی که لازم دارند یا دوست دارند آنها را داشته باشند ، تجربه کنند. در این شرایط بچه‌ها به این فکر نمی‌کنند که ته کارت‌بانکی مبلغی را به‌عنوان پس‌انداز نگه‌دارند. راستش را بخواهید انگار پس‌انداز فقط با لمس پول امکان‌پذیر بود و الان دیگر پول فیزیکی وجود ندارد که بچه‌ها درک واضحی از آن داشته باشند. همه‌چیز اینترنتی شده و پدر و مادرهایی که برای آینده فرزندان خود برنامه‌ریزی دارند بیشتر خودشان برای آنها سرمایه‌گذاری می‌کنند، طلا و دلار می‌خرند و برایشان نگه‌می‌دارند و آنهایی که مغز اقتصادی پویاتر و به‌روتری دارند برای آینده بچه‌هایشان «سرمایه‌گذاری اینترنتی» می‌خرند و در این میان آن فرزند اصلا متوجه نمی‌شود چی به چی می‌شود. با همه این اما و اگرها و تحلیل‌ها، پس‌انداز کردن آن‌قدر اهمیت دارد که روز ۳۱ اکتبر را در تقویم جهانی به‌نام روز پس‌انداز ثبت کرده‌اند یا به همه مردم دنیا در هر سن و سالی یادآور می‌شود که مقداری از درآمد خود را پس‌انداز کنند. هرچند روان‌شناسان و مربیان رشد شخصی بر این باورند اگر فردی از کودکی پس‌انداز کردن را از

گفت‌وگو با نعیمه نظام‌دوست، بازیگر درباره پس‌انداز

قلک من کو؟!



والدین و محیط خانواده یاد نگیرد در بزرگسالی بعید است بتواند این سیستم را در مغز خودش فعال کند.

اهل پس‌انداز نیستم

نعیمه نظام‌دوست، بازیگر است و در چند سری از مجموعه محله گل‌ولبلیل بازی کرده. او می‌گوید در این مجموعه همه مسائل روز جامعه را با زبان و اجرایی کودکانه برای بچه‌ها بازگو می‌کنیم. تا جایی که من خبردارم و بازخوردهایی که به ما می‌رسد، بچه‌ها از محله گل‌ولبلیل بسیار می‌آموزند. درباره پس‌انداز هم ما در این برنامه صحبت می‌کنیم و امیدواریم بچه‌ها و والدین روی این موضوع حساس شوند و آن را به برنامه روزانه خود تبدیل کنند. من اصلا اهل پس‌انداز نیستم. راستش را بخواهید آن‌قدر گرانی است و پول بی‌ارزش و تورم بالاست که دیگر نمی‌توان پس‌انداز

رابطه پس‌انداز با مسؤولیت‌پذیری

الیه رضایی، مجری قدیمی برنامه‌های کودک که سال‌هاست مدیریت مهدکودکی را به‌عهده دارد، درباره آموزش پس‌انداز به کودکان می‌گوید: راستش را بخواهید، پس‌انداز واژه غربیی برای بچه‌های امروزی است. قدیم‌ها و در سبک زندگی گذشتگان پدر و مادرها پس‌انداز داشتند و درباره آن در خانه و در حضور بچه‌ها صحبت می‌کردند و همین باعث می‌شد پس‌انداز برای کودکان از یک واژه بالقوه به یک کار اجرایی تبدیل شود و آنها ببینند که مثلا پدر یا پول پس‌انداز ماشین می‌خرد یا خودرویش را عوض کرده و یک مدل بالاتر می‌خرد یا خانه کوچک‌شان را بزرگ‌تر می‌کند اما سبک زندگی ما ایرانی‌ها به‌سرعت تغییر کرد و همچنان در حال تغییر است و در این میان برخی از آداب تربیتی و زیست خانوادگی ما نیز تغییر کرد و برخی عادات خوب از بین رفت. درست است که شرایط اقتصادی سخت شده و بیشتر خانواده‌ها دیگر نمی‌توانند پس‌اندازی داشته باشند اما به نظرم نباید صورت مسأله تربیتی و آموزشی به‌کلی حذف شود. بهتر است بچه‌ها پس‌انداز کردن را یاد بگیرند؛ تلاش برای جمع‌آوری مقداری پول و بعد لذت خرید از پس‌انداز در رشد شخصیت کودکان بسیار مؤثر است. پس‌انداز کردن به بچه‌ها می‌آموزد برای دستیابی به خواسته‌های‌شان تلاش کنند. در این مسیر یادمی‌گیرند، پرتوقع و طلبکار نباشند و می‌آموزند پولی را که با زحمت پس‌انداز کرده‌اند ، مدیریت کرده و بیهوده آن را خرج نکنند. این روش کمک می‌کند آنها در آینده افراد مسؤولیت‌پذیرتری باشند.

کودک من کی می‌تواند پس‌انداز داشته باشد؟

پس‌انداز کردن برای کودکان چه فوایدی دارد؟

پس‌انداز کردن برای کودکان چه فوایدی دارد؟

پس‌انداز کردن برای کودکان چه فوایدی دارد؟

پس‌انداز کردن برای کودکان چه فوایدی دارد؟

پس‌انداز کردن برای کودکان چه فوایدی دارد؟

پس‌انداز کردن برای کودکان چه فوایدی دارد؟

پس‌انداز کردن برای کودکان چه فوایدی دارد؟

پس‌انداز کردن برای کودکان چه فوایدی دارد؟

پس‌انداز کردن برای کودکان چه فوایدی دارد؟

پس‌انداز کردن برای کودکان چه فوایدی دارد؟

پس‌انداز کردن برای کودکان چه فوایدی دارد؟

پس‌انداز کردن برای کودکان چه فوایدی دارد؟

پس‌انداز کردن برای کودکان چه فوایدی دارد؟

پس‌انداز کردن برای کودکان چه فوایدی دارد؟

پس‌انداز کردن برای کودکان چه فوایدی دارد؟

پس‌انداز کردن برای کودکان چه فوایدی دارد؟

پس‌انداز کردن برای کودکان چه فوایدی دارد؟

پس‌انداز کردن برای کودکان چه فوایدی دارد؟

پس‌انداز کردن برای کودکان چه فوایدی دارد؟

پس‌انداز کردن برای کودکان چه فوایدی دارد؟

پس‌انداز کردن برای کودکان چه فوایدی دارد؟

اسب فرزانة و شاگرد استاد

روزی روزگاری در سرزمین‌های شرقی استادی زندگی می‌کرد که شاگردان بسیاری داشت و به برخی از آنها درس حکمت و به برخی دیگر درس تفکر

معنوی و به برخی دیگر درس آرامش خلاق و به برخی دیگر درس ستاره‌شناسی و به برخی دیگر درس تحلیل گفتمان می‌داد. یکی از شاگردان وی که در درس تفکر معنوی و درس تحلیل گفتمان وی شرکت می‌کرد در اواسط کلاس‌ها شیفته استاد شد و تصمیم گرفت در تمام حرکات ، سکنا ت و سخنان خود از وی پیروی کند. پس تمام حرکات و سکنا ت وی را زیر نظر گرفت و به تمام سخنان او گوش سپرد. وی از آن پس مانند استاد لباس سفید پوشید، مانند استاد ریش خود را نزد تا بلند شود، مانند استاد خام‌گیاخوار شد، مانند استاد آهسته و آرام راه رفت و مانند استاد هر شب روی بستری از کاه خوابید تا مانند او شود و به گوهر فرزانیگی دست یابد. چندی بعد استاد متوجه تغییر رفتار شاگردش شد و دریافت که شاگرد به تقلید از او روی آورده است. پس وی را صدا کرد و پرسید: چه می‌کنی؟ شاگرد گفت: ای استاد بزرگ، مراحل تشرف را می‌گذرانم تا همچون شما شوم. استاد گفت: لباس سفید برای چیست؟ شاگرد گفت: نمی‌دانم. استاد گفت: نماد سادگی و جست‌وجوست. سپس پرسید: خام‌گیاخواری برای چیست؟ شاگرد گفت نمی‌دانم؛ استاد گفت: جسم را پاکیزه می‌کند. سپس پرسید: خوابیدن روی کاه برای چیست؟ شاگرد گفت: نمی‌دانم. استاد گفت: برای دوری از راحتی جسم و تعالی روح. سپس دست شاگرد را گرفت و به دشتی برد که در آنجا اسبی سفید مشغول چریدن بود. پس رو به شاگرد کرد و گفت: فقط مشغول ظاهر شدی و از باطن غافل ماندی. آنگاه به اسب اشاره کرد و گفت: این زبان بسته هم سفید پوشیده است و فقط گیاه می‌خورد و روی کاه می‌خوابد. آیا او روزی به گوهر فرزانیگی دست خواهد یافت؟ در این لحظه اسب به آذن خدا زبان باز کرد و گفت: ای استاد، تو هم مشغول ظاهر شدی و از باطن غافل ماندی. از کجا می‌دانی که من فرزانه اسب‌ها نیستم؟ در این لحظه استاد که کف کرده بود به دست و پای اسب افتاد و وی خواست او را ببخشد و به شاگردی بپذیرد اما اسب که از دست استاد ناراحت شده بود، نپذیرفت و استاد را پس زد و چهارنعل از دشت گریخت. از فردای آن روز استاد تمام کلاس‌های خود را تعطیل کرد و در غاری به تفکر معنوی مشغول گشت و به‌طور کلی خاموش شد.



برداشت انار از باغ‌های قسرا لشت شیراز / عکس‌ها فارس

برداشت انار از باغ‌های قسرا لشت شیراز / عکس‌ها فارس

برداشت انار از باغ‌های قسرا لشت شیراز / عکس‌ها فارس

برداشت انار از باغ‌های قسرا لشت شیراز / عکس‌ها فارس